

شخصیت قرآنی امام رضا (ع)

مرضیه محمدزاده*

چکیده

زندگی و شخصیت امامان شیعه و از جمله امام رضا (ع)، دو جنبه ارزشی متمایز و با این حال مرتبط با هم دارد: اول: شخصیت عملی و علمی و اخلاقی و اجتماعی آنان که در طول زندگی ایشان، در منظر همگان شکل گرفته است که هر بیننده فهیم و دارای شعور و انصاف می‌تواند، ارزش‌ها و امتیازهای آنان را دریابد و بشناسد. دوم: شخصیت معنوی و الهی آنان که ریشه در عنایت ویژه خداوند نسبت به ایشان دارد. شناخت این بُعد از شخصیت اهل بیت (ع) نیاز به معرفت و پیشین‌زمینه‌های اعتقادی و مذهبی دارد؛ یعنی: نخست باید به رسالت پیامبر اکرم (ص) ایمان داشت و براساس رهنمودهای آن حضرت، ولایت عترت را پذیرفت و کوتاه سخن این که بینش‌های مذهبی مختلف، می‌تواند مانع شناخت این بُعد از شخصیت اهل بیت (ع) باشد.

در این مقاله کوشش شده شخصیت قرآنی آن حضرت مورد بررسی قرار بگیرد. کلیدواژه‌ها: امام رضا (ع)، قرآن، شخصیت قرآنی.

مقدمه

علی بن موسی بن جعفر (ع) ملقب به رضا و مکتب به أبوالحسن بنا به قول مشهور در روز یازده ذیقعده سال ۱۴۸ قمری - ۲۲ دی ماه ۱۴۴ شمسی - در مدینه از مادری به نام ثکتم ملقب به نجمه خاتون متولد شد.^۱

امام رضا (ع) در سن ۴۷ سالگی صاحب فرزند شد و امام جواد (ع) هنگام وفات پدرش هفت سال و هشت ماه سن داشت.^۲ زمان زندگی آن حضرت با عصر اول خلافت عباسیان و در دوران خلفای قدرتمندی چون منصور، هارون و مأمون مقارن بود.

دوره ای از زندگی امام رضا (ع) که هم زمان با خلافت مأمون عباسی است، مهم ترین ادوار زندگانی آن بزرگوار به شمار می رود و شخصیت امام به گونه ای بارز در رویدادها و تحولات این دوره تأثیر گذارده است.

حیثیت علمی امام مهم ترین عامل در توسعه مذهب شیعه به حساب می آید به ویژه که مبانی فکری شیعه نیز در آن شرایط مشخص شده بود و طبعاً مرجعیت علمی امام توسعه فکر شیعی را دربرداشت.

احادیث و روایات بسیاری از امام رضا (ع) در زمینه های مختلف علوم و معارف اسلامی و شیعی چون فقه، اصول عقاید، اخلاق و... برای ما به یادگار مانده که گنجینه ای بس گرانبها است.

شخصیت قرآنی امام رضا (ع)

الف: رفتار و اخلاق امام رضا (ع) در مواجهه با مردم؛ امام رضا (ع) شبیه ترین مردم به پیامبر اکرم (ص) بود و رفتاری پیامبرگونه داشت. ایشان در زندگی فردی و اجتماعی خلق والای آن حضرت را نشان می داد.^۳ چنان که گفته اند:

یَمَثَلُ النَّبِيِّ فِي اخِلاقِهِ فَأَنَّهُ النَّابِتُ مِنْ اَعْرَاقِهِ^۴

در اخلاق او پیامبر اکرم (ص) جلوه گر می شود. چرا که او برخاسته از ریشه های نبوی است.

شخصیت ملکوتی و مقام شامخ علمی و زهد و اخلاق امام رضا (ع) و اعتقاد شیعیان به او سبب شد که نه تنها در مدینه، بلکه در سراسر دنیای اسلام به عنوان بزرگ ترین و

محبوب ترین فرد خاندان رسول اکرم (ص) مورد قبول عامه باشد. مسلمانان او را بزرگ ترین پیشوای دین بشناسند و نامش را با صلوات و تقدیس ببرند.

امام در برخورد با مردمان چهره راستین اسلام را ترسیم می کرد. آن هم در عصری که شکوه پوشالی دستگاه خلافت از این آیین سیمای دیگری ارائه می داد. نخستین نکته این که او همه را دارای ارزش انسانی می دانست و از این دیدگاه با مردم برخورد می کرد. ایشان بنا بر آیه قرآن کریم: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (الإسراء، ۱۷ / ۷۰)؛ «ما آدمیادگان را گرامی داشتیم»، در برخورد با غلامان و خادمان هرگز حاضر نبود کرامت انسانی آنان را نادیده بگیرد و چیزی از حقوق آنان فرو گذارد. همچنان به سادگی و دوری از تکلف در برخورد با دیگران ادامه می داد. کسی از کارکنان و خدمتگزارانش هرگز از او ناسزا نشنید. علمش بیکران و رفتارش پیامبرگونه و حلم و رأفت و احسانش شامل خاص و عام می گردید.

امام با خدمتکارانش می نشست و غذا می خورد. روش ایشان چنین بود که چون خلوت می کرد، اطرافیان خود را از کوچک و بزرگ جمع می کرد و با آنها گفت و گو می نمود و خود را مأنوس و مونس آنها می ساخت. طریقه آن حضرت در هنگام غذا خوردن این بود که چون سفره غذا را از برای آن بزرگوار حاضر می ساختند، کوچک و بزرگ و حتی میرآخور را در کنار خود می نشاند و با آنها غذا می خورد.^۵

این گونه رفتار، برای این است که به امت درس انسانیت و فضیلت آموزد و شرف و کرامت انسانی را پا بر جا کرده و استوار کند و نظریه اسلام را در روشی که باید هر انسان با برادرش داشته باشد، عملاً نشان دهد.

اینکه اسلام از نظر حقوق اجتماعی، قانون برابری و مساوات را میان افراد امت برقرار ساخته برای این است که کرامت انسانی را به او بازگرداند و او را از قید و بند زندگی طبقاتی رها و آزاد سازد. چنان که خداوند متعال فرموده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (الحجرات، ۱۳ / ۴۹)؛ «گرامی ترین شما نزد خداوند پرهیزکارترین شماست».

امام (ع) با آن همه گشاده دستی هرگز این صفت شایسته را با اسراف و تبذیر نمی آمیخت. آن حضرت به رفتار یاران و غلامانش توجه داشت و در اصلاح خطاهای آنان می کوشید. روزی غلامش میوه ای را نیم خورده به دور انداخت. امام بنا بر آیه قرآن: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الاعراف، ۳۱ / ۷)؛ «[از نعمتهای الهی]

بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد» فرمود: «سبحان الله! اگر شما از این میوه بی نیازید، چه بسا افرادی که به آن نیازمندند». ^۶ سلیمان بن جعفر گفته است: برای کاری خدمت امام (ع) که کنار تعدادی از کارگران ایستاده بود، رسیدم. امام (ع) به من فرمود: «بدان! هر کارگری بدون این که قبلاً مزد او را تعیین کرده باشی، کاری برای تو انجام دهد، اگر سه برابر آنچه مزدش است به او پردازی، باز گمان می کند که از اجرت او کاسته ای و اگر پیش از انجام دادن کار، مزدش را معین کنی و پس از آن پرداخت کنی، تو را به سبب وفای به عهد می ستایند و اگر اندکی زیادتر از مزدش به او بدهی، آن را بخششی از تو می دانند». ^۷

ب: زهد و پرهیزکاری؛ زهد مفهومی گسترده دارد و به معنای نداشتن و پوشیدن لباس ژنده و خوردن خوراک ساده نیست. بلکه معنای واقعی زهد بین این دو جمله قرآن کریم است: «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (الحديد، ۵۷/۲۳)؛ «تا بر آنچه از دست شما رفته، اندوهگین نشوید و به سبب آنچه به شما داده است، شادمان نگردید». به عبارت دیگر زهد نه آن است که مال دنیا را تباه کنی و نه آن که حلال آن را بر خود حرام گردانی، بلکه زهد آن است که اعتمادت به آن چه نزد حق است بیش از آنی باشد که در نزد خودت یافت می شود.

در بینش اسلامی، دنیا مقدمه و مزرعه آخرت است. به همین جهت اولیای الهی به دنیا به عنوان وسیله و ابزار اکتساب رضوان خداوندی و نیل به قرب و لقای او نگریده اند. این حقیقت متعالی در ادبیات الهی به عنوان زهد که همان عدم تعلق به دنیاست نه بهره مند نبودن از آن مطرح است.

در روزگار امام تعالیم صوفیه در خراسان و دیگر ایالات رواج یافته بود. گروهی از صوفیان، در خراسان بر امام وارد شدند و انتخاب ایشان را به عنوان فردی از اهل بیت به ولایتعهدی از سوی مأمون انتخابی شایسته دانستند و به آن حضرت عرض کردند که: اکنون امت به پیشوا و رهبری نیازمند است که جامه اش درشت و خشن و طعامش ساده و ناگوارا باشد؛ اما امام که زهد را در این ظواهر نمی دید، فرمود: «یوسف پیامبر قبای دیبای زربافت می پوشید و بر اریکه فرعون تکیه می کرد و فرمان می راند. خواسته واقعی از امام و رهبر، قسط و عدل است و این که در گفتار صادق و در حکومت دادگر باشد و چون

وعده ای کند، وفا نماید»^۸. ایشان همچنین می فرمود: «همانا خداوند لباس یا طعامی را حرام نفرموده است». سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ثَلَمَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ» (الاعراف، ۳۲/۷)؛ «بگو ای پیامبر! چه کسی زینت های خدا را، که برای بندگان خود آفرید، حرام و روزی های حلال و پاکیزه را منع کرده است؟»^۹.

ابن عبّاد^{۱۰} نوع سلوک زاهدانه آن حضرت را چنین بیان می کند: ایشان در تابستان بر حصیر و در زمستان بر پلاس می نشست. نظافت را در هر حال رعایت می فرمود. عادتاً جامه ارزان و خشن می پوشید، ولی در مجالس برای ملاقات ها و پذیرایی ها لباس فاخر در بر می کرد و در هر فرصت مقتضی مردم مسلمان را به وظایف خود آگاه می کرد.^{۱۱} اباصلت هروری نیز گوید: امام (ع) غذایی ساده و خوراکی اندک داشت. بنابراین هنگامی که تنها و از صحنه زندگی عمومی به دور بود، روش آن حضرت با طبیعت او که دوری گزیدن از زخارف دنیا است، هماهنگی داشت.

ج: دعا و عبادت؛ دین بر پایه عبادت استوار است و مغز عبادت دعاست که خود بهترین عبادت و نزدیکترین راه به سوی خداوند است و عقل و نقل بر فضیلت و وجوب دعا دلالت دارند. در قرآن کریم بر فضیلت و اهمیت دعا تأکید بسیار آمده است. خداوند می فرماید: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (البقرة، ۱۸۶/۲)؛ «و چون بندگان من از دوری و نزدیکی من از تو پرسند، بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود و هر کس مرا خواند دعای او را اجابت کنم و دعوت مرا و پیامبران را بپذیرند تا به سعادت راه یابند»، و می فرماید: «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا» (الفرقان، ۶۴/۲۵)؛ «آنان که برای خشنودی خدا شب را به ایستادن و یا سجده کردن به پایان می برند».

برای آنان که بودن را مفهومی جز بنده بودن ندانند، پرستش نه یک تکلیف، بلکه معنای زندگی و راز جاودانگی است. در نگاه آنان پرستش خدا نه یک واجب است که باید از سر گذرانند، بلکه شاهد شیرینی است که باید چشید و در آن روح بودن و ماندن را یافت. از این رو اگر در باره خداپرستی این گونه کسان که که امامان پیشاپیش همه آنان هستند، سخنی گفته شود، سخن از اندازه عبادت نیست. بلکه سخن از چگونگی است. آنان بنده بودن را مایه افتخار، بندگی کردن را مایه سربلندی و سر فرود آوردن در برابر

خواست آشکار و پنهان خداوند را اساس سرافرازی می‌شمرند. چون مأمون از عبودیت خداوند سخن گفت، امام فرمود: «من به بندگی خداوند افتخار می‌کنم»^{۱۲}. همین حقیقت است که بدخواهان او را ناخواسته بر آن می‌دارد که اعتراف کنند او پرستشگرترین همه زمینیان است و در میان فرزندان عباس و امیرالمؤمنین علی^(ع) با فضیلت تر، پرهیزکارتر، دیندارتر و شایسته تر از او ندیده‌اند.^{۱۳}

یکی از برجسته ترین فضایل امام رضا^(ع) سرسپردگی وی به خداوند و تمایلش به او بود. این فضیلت را می‌توان به وضوح در اعمال عبادی او که بر پایه خوف الهی و دینداری قرار دارد، در بخش مهمی از زندگی روحانیش مشاهده نمود. یکی از اصحاب آن حضرت می‌گوید: هنگامی که او را می‌دیدم، این کلام خدای متعال را متذکر شدم که می‌فرماید: «كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ» (الذاریات، ۱۷/۵۱)؛ «آنان همواره پاسی از شب را بیشتر نمی‌خوابند».

امام بسیار روزه می‌گرفت. در هر ماه سه روز حتماً روزه دار بود. ایشان کم سخن می‌گفت و پاسخ و مثال‌هایی که در ضمن گفتارش می‌آورد، نشأت گرفته از قرآن کریم بود، زیرا که با قرآن همدم و مأنوس بود. هر سه روز یک بار قرآن را ختم و در آیات آن تدبّر می‌کرد و می‌اندیشید. ایشان قرآن را معیار سنجش حق و باطل و صحّت و سقمّ احادیث می‌شمرد.^{۱۴}

در پرتو توجه به چنین برداشتی از مفهوم عبادت در نظر امام است که می‌توان برای خواندن هزار رکعت نماز در شبانه روز، سجده‌های طولانی پس از نماز صبح، روزه‌های مکرر، شب زنده داری‌های پر رمز و راز و همدمی همیشگی با قرآن تفسیری شایسته یافت. همچنین به در حقیقت این سخن نایل آمد که رجاء بن اُبی ضحاک درباره آن حضرت می‌گوید: به خدا سوگند مردی ندیدم که بیش از او از خدا پروا کند، بیش از او در همه اوقات به یاد خدا باشد و بیش از او از خدا بترسد^{۱۵}. گوینده این سخن نه کسی از شاگردان او، بلکه فرستاده دستگاه خلافت است.

نیایش: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر، ۶۰/۴۰)؛ «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را». یکی از مظاهر زندگی امام رضا^(ع) این است که وی در مناجات با خدا از دعا به مثابه یک حربه استفاده می‌نمود و در تمام امورش به آن اشاره می‌کرد و می‌فرمود: «دعا از نیزه

کارگتر است . خداوند وعده فرموده که دعای بندگانش را اجابت کند و خواسته های آنان را عطا نماید . وعده الهی قطعی و تخلف ناپذیر است . امام (ع) در باره استغفار می فرمود : «مثل الأستغفار مثل ورق علی شجرة تحرك فیتناثر و المستغفر من ذنب و یفعله کالمستهزء برته ؛ مثل استغفار و ریختن گناهان به سبب آن ، چون برگی است بر درختی که در فصل پاییز آن درخت بجنبند و آن برگ بریزد و کسی که از گناهی استغفار کند و باز آن را انجام دهد ، مانند کسی است که پروردگار خود را مسخره کند» .^{۱۶}

د : علم و دانش ؛ «... یَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (المجادلة، ۵۸ / ۱۱) ؛ «خداوند از شما آنان را که ایمان آوردند ، بالا می برد و آنان که دانش یافته اند پایه های بالاتر دارند» .

حاکم نیشابوری در تاریخ نیشابور خود می نویسد : علی بن موسی (ع) بیست و چند سالی بیشتر نداشت که در مسجدالنبی به فتوی می نشست . امام خود می فرماید : «من در روضه پیامبر (ص) می نشستم و دانشمندان مدینه چون در مسأله ای ناتوان می شدند ، همگی متوجه من شده و مسائل را از من می پرسیدند» .^{۱۷}

در مناقب ابن شهر آشوب است که : مردم در مورد امام علی بن موسی (ع) هیچ اختلاف پیدا نکردند و همه از او خشنود بودند . محمد بن عیسی یقطینی می گوید : من از مسائلی که از آن حضرت سؤال شده است و پاسخ فرموده اند ، هیجده هزار مسأله جمع کرده ام ، بسیاری از مصنفان و نویسندگان که از آن جمله اند : ابوبکر خطیب در تاریخ خود ، ثعلبی در تفسیرش ، سمعانی در رساله خویش و ابن معتر در کتابش و جز آنها از آن حضرت نقل حدیث کرده اند .^{۱۸}

هـ : جود و احسان ؛ «إِنْ بُدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفَوْهَا وَتُؤْتَوْهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (البقرة، ۲ / ۲۷۱) ؛ «اگر آشکارا صدقه دهید ، کاری نیکوست و اگر در نهان به بینوایان صدقه دهید ، نیکوتر است» .

ابراهیم بن عباس صولی گوید : علی بن موسی (ع) بسیار به مردم احسان می کرد و به آنها انفاق مالی مخفیانه می نمود و غالباً این کمکهای مالی را در شب های تاریک انجام می داد ، پس کسی که گمان می کند در بزرگواری ، کسی را همانند حضرت رضا (ع) دیده است او را تصدیق نکنید .^{۱۹}

«... وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَن يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (الحشر، ۹/۵۹)؛ «و دیگران را بر خویش ترجیح می دهند، هرچند خود نیازمند باشند و آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند، رستگارانند».

امام (ع) دنیای فریبنده و پرتجمل را به چیزی نمی گرفت. هنگامی که در خراسان بود، در روز عرفه همه مال خود را میان مردم قسمت کرد. چون فضل بن سهل گفت: این زیانکاری است، امام فرمود: «بلکه عین غنیمت است. چیزی را که با آن پاداش و بخشایش خداوند را می خری، زیان به شمار میاور!»^{۲۰}.

امام (ع) می فرماید: «دارنده نعمت، در آزمون بزرگی است، زیرا خداوند حقوق خود را در نعمتی که به او داده، واجب ساخته است»^{۲۱}. اما حقوقی که خداوند واجب فرموده و امام (ع) در این حدیث به آن اشاره کرده همان دستگیری بینوایان و تهیدستان زمان است، آنانی که شرایط بی رحمانه حاکم بر جامعه، زندگی آنها را واژگون و از هستی تهی ساخته است و یا توان کار برای به دست آوردن زندگی بهتر را از دست داده اند و یا درمانده و از وطن و کاشانه خود به دور افتاده اند و دیگر کسانی که ضرورت های زندگی آنان را وادار کرده که از دیگران درخواست کمک کنند. بی شک سؤال و خواهش، خواری است و موجب از میان رفتن عزت و آبروی سائل می شود. امام در نامه ای به فرزندش امام جواد (ع) از او می خواهد هنگامی که از خانه خارج می شود، با خود دینار و درهم بردارد، تا هر کس از او چیزی طلب کند، به آنان بدهد.^{۲۲}

درباره احسان آن حضرت به بینوایان و تهیدستان، معمر بن خلاد چنین گوید: أبو الحسن الرضا (ع) هنگامی که بر سفره غذا می نشست، سینی بزرگی نزدیک او گذاشته می شد، آن حضرت از بهترین غذاهایی که حاضر می کردند مقداری برمی داشت و در سینی می گذاشت و دستور می فرمود که آن را بر بینوایان و درماندگان بخش کنند، سپس این آیه را تلاوت می فرمود: «فَلَا افْتَحِمِ الْعَقَبَةَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رِقَبَةً * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ» (البلد، ۱۱/۹۰-۱۶)؛ «ولی او از آن گردنه مهم نگذشت! و تو نمی دانی آن گردنه چیست! آزاد کردن برده ای، یا غذا دادن در روز گرسنگی. یتیمی از خویشاوندان، یا مستمندی خاک نشین را امام (ع) از عقبه به عنوان طعام خوراندن به ایتم یاد می کند». سپس می فرمود: «خداوند دانا بود به این که

همه انسان ها، توان آزاد کردن بنده را ندارند. با اطعام طعام راهی برای آنان به سوی بهشت گشود». ۲۳

این اعمال و سخنان امام رضا (ع) بیانگر توجه خاص او به خانواده های بی سرپرست و ایتم است. امام (ع) پیشنهاد جماعتی از مردم خراسان را که متقاضی معافیت از پرداخت خمس بودند را نپذیرفت و با یادآوری اهمیت موارد مصرف خمس، پرداخت آن را نشانه اظهار دوستی و اخلاص به اهل بیت (ع) خواند. ۲۴

و: صبر و شکیبایی؛ «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» (الرعد، ۱۳ / ۲۴)؛ «سلام بر شما به خاطر آن همه شکیبایی که ورزیده اید».

امام رضا (ع) صبر کردن در برابر سختی ها و بلاها را از خصوصیات مؤمنین شمرده و می فرماید: «انه ليس احد من شيعتنا يبتلى ببليّة او يشتكى فيصبر على ذلك الا كتب الله له اجر ألف شهيد؛ کسی از شیعه ما نیست که به مصیبتی گرفتار شود و یا دچار بیماری گردد و بر آن صبر کند، مگر این که خداوند اجر هزار شهید را برایش بنویسد». ۲۵

آن حضرت در زمان خلافت هارون، در برابر انواع ستم ها و سختی ها، چون حبس طولانی پدر و مصیبت شهادت او شکیبایی ورزید. همچنین بردباری آن حضرت در دوره خلافت مأمون و در برابر سیاست مرموز و مزورانه او، به ویژه پس از تفویض ولایتعهدی، درجه صبر و تحمل آن حضرت را برای ما آشکار می سازد. ایشان یاران خود را نیز به خویشنداری و شکیبایی در برابر ناملایمات فرا می خواند. هنگامی که حسن بن شاذان واسطی در نامه ای به امام از جفای مردم واسط و آزار مخالفان شکایت نمود، امام در پاسخ وی نوشت: «خدای تعالی از یاران ما در دولت باطل پیمان بر صبر گرفته است. پس به حکم پروردگارت صبر کن!».

ز: عفو و گذشت؛ «...وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (النور، ۲۴ / ۲۲)؛ «باید ببخشند و ببخشایند، آیا دوست نمی دارید که خدا شما را بیامرزد؟».

امام رضا (ع) عفو را سبب مزید عزت و افزایش قدر و منزلت انسان تلقی می کرد. زیرا گذشت در هنگامی که انسان می تواند بدی را با بدی تلافی کند و نمی کند، گویای نیرومندی انسان در مهار کردن خشم و نشانه سلطه و قدرت او در جلوگیری از تحریکات نفس، در برابر تجاوزات است و همین خویشنداری موجب برانگیختن ستایش و

بزرگداشت او از جانب دیگران است و به ویژه اگر چنین انسانی دارای مسئولیت های حکومتی و منصب های عالی باشد که بردباری و گذشت از هر چه برای او، زینده تر و سزاوارتر است.

ح: مردم دوستی؛ «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ» (التوبة، ۹/۱۲۸)؛ «هر آینه پیامبری از خود شما بر شما معبوط شد، هر آنچه شما را رنج می دهد بر او گران می آید. سخت به شما دلبسته است و با مؤمنان رثوف و مهربان است».

خاندان رسول الله خُلق و خوی نیک و ادب را از جدّ خود رسول اکرم (ص) به ارث برده اند. امام رضا (ع) از هرکس به مسلمانان دلسوزتر بود. مردی بر مأمون وارد شد، مأمون خواست گردن او را بزند، امام رضا (ع) حضور داشت، مأمون گفت: ای ابوالحسن چه می فرمایی؟ امام فرمود: «اگر نکویی کنی و از او درگذری، خداوند بر عزّت تو می افزاید. مأمون نیز آن مرد را بخشید».^{۲۶}

ط: عدم همکاری با حکومت؛ امامان شیعه (ع) حکومت های هم زمان خود را مشروع ندانسته اند. امام رضا (ع) وضع موجود در روزگار خویش را حاکمیت دولت باطل و دستگاه ستمکاران می خواند و یاران خویش را از اشتغال به کارهای دولتی و همکاری با حکومت نهی می فرمود، اما اگر هدف از مشارکت در امور حکومتی، دفع ستم و بیدادگری باشد که غالباً در این نوع حکومت ها دامن گیر بی گناهان می شود، این مشارکت مطلوب می باشد. بر همین اساس است که علی بن یقطین با اجازه امام موسی بن جعفر (ع) در دستگاه هارون صاحب منصب بود و او به قدر امکان باعث اصلاح تباهی هایی بود که دیگران به وجود می آوردند. در زمان امام رضا (ع) نیز به محمد بن اسماعیل بن بزّیع که فردی شایسته و مورد اعتماد بود، چنین مأموریتی محول شد.

امام در برخورد با مخالفان شیوه هایی همچون قتل و ترور را هرگز تأیید نمی کرد. شیعیان آگاه نیز به دستورات آن حضرت پای بند بودند. امام ضمن تبیین مفهوم درست اولوالامر که مصادیق آن فقط در امامان معصوم (ع) متجلی است، بر لزوم اطاعت و پیروی از آنان تأکید کرده و فرمودند: هرکس با آنان مخالفت نماید، گمراه و گمراه کننده است و حق و عدالت را رها کرده است. از سوی دیگر امام با استناد به آیه ای که خداوند

می فرماید: «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (البقرة، ۲/۱۲۴)؛ «پیمان من به بیدادگران نمی رسد» فرمود: «این آیه پیشوایی هر ستمگری را تا روز قیامت باطل ساخته است». ایشان همچنین فرمودند: «خداوند فرمانبرداری از ستمگران و اغواگران را بر بندگان خویش واجب نمی کند». بنابراین تصدّی رهبری سیاسی جامعه به دست آنان عقلاً و شرعاً ناحق و نامشروع است. امام با نقل گفتاری از صُحُف ابراهیم فرمود: «وظیفه پادشاهان ساختن کاخ و جمع آوری مال دنیا نیست، بلکه آن است که دعای مظلومی را برآورند و داد او را بستانند».

به طور کلی او دارای شخصیتی یگانه و صفاتی ویژه بوده است و از نظر شیعه امامیه آن حضرت دارای ملکه عصمت که از لوازم امامت است، می باشد. در زندگانی امام رضا(ع) دو ویژگی غربت و رأفت چشمگیر است. او که یگانه عصر خویش در علم و فضیلت و تقوا بود، در تنگنای حکومت حاکمان ناشایست و قدر ناشناسی مردم، طلوعی در پشت ابرها و غروبی زود هنگام و غمگنانه داشت.

۱. روضة الواعظین؛ ۲۳۶/۴؛ مناقب آل ابی طالب، ۴/۳۶۶.
۲. ر. ک: الارشاد؛ ۶۱۵؛ الکافی، ۱/۴۹۲؛ اثبابة الوصية؛ ۲۱۶؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ۲/۹۱؛ دلائل الإمامة؛ ۳۹۶؛ تاریخ الأئمة؛ ۲۵؛ تاریخ موالید الأئمة ووفیاتهم؛ ۱۹۶.
۳. بشارة المصطفى لشيعة المرتضى؛ ۱۳۴.
۴. علی بن موسی(ع) امام رضا/ ۱۸.
۵. عیون أخبار الرضا، ۲/۳۹۹.
۶. الکافی، ۶/۲۹۷.
۷. همان، ۵/۲۸۸.
۸. نثر الدرر، ۱/۳۶۵-۳۶۶؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة، ۱۴۷/۲.
۹. کشف الغمة فی معرفة الائمة، ۲/۱۴۷.
۱۰. ابن عباد منشی حضرت رضا(ع) بوده است. «منتهی الآمال؛ ۲/۲۰۸».
۱۱. عیون اخبار الرضا، ۲/۱۷۸.
۱۲. مناقب آل ابی طالب، ۴/۳۶۲.
۱۳. بحار الانوار، ۴۹/۲۱۱ و با اشاره به سخن مأمون خطاب به عباسیان و رجاء ابن ابی ضحاک.
۱۴. ر. ک: عیون اخبار الرضا، ۲/۱۹۳-۱۹۵.
۱۵. بحار الانوار، ۴۹/۹۳.
۱۶. عیون اخبار الرضا، ۲/۲۶۶.
۱۷. کشف الغمة فی معرفة الائمة، ۳/۱۰۷.
۱۸. مناقب آل ابی طالب؛ ۴/۳۰۰.
۱۹. الکافی، ۲/۴۶۶.
۲۰. مناقب آل ابی طالب، ۴/۳۶۱.
۲۱. الکافی، ۳/۵۰۲.
۲۲. عیون اخبار الرضا، ۱/۲۴۷.
۲۳. عیون اخبار الرضا، ۲/۲۶۴.
۲۴. الکافی، ۱/۵۰۴.
۲۵. بحار الانوار، ۴۹/۶۷.
۲۶. کشف الغمة فی معرفة الائمة، ۳/۱۴۳.